



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۹/۰۴

عبدالقیوم میرزاده

## اوضاع بحرانی کشور

از بررسی اخبار روز های اخیر در باره مذاکرات (صلح) خلیل زاد و پاکستان زیر نام طالبان، رویداد های مرتبط در قبال افغانستان و بصورت اخص مصاحبه زلمی خلیل زاد با تلویزیون طلوع در کابل به این نتیجه رسیدیم همانطوریکه در قسمتی از کتاب «ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» نگاشته بودم:

( تجربه بما بوضاحت نشان داده است که هیچ کشوری در جهان برای ما صلح و آرامش به ارمغان نمی آورد، بر عکس همه برای منافع خود وکشور هایشان تا کنون فقط جنگ، برادر کشی و ویرانی مادی و معنوی را به کشور ما به ارمغان آورده اند، یونانی ها، مغول ها، عرب ها، فارس ها، انگلیس ها، روس ها، پاکستانی ها، امریکایی ها و دیگران همه و همه با ورود شان در کشور ما جنگ را با خود آورده اند همه این کشور ها تنها استراتژی های حمله به کشور ما برای دستیابی به منافع خودشان را داشته اند و هیچکدام شان در باره عواقب فاجعه بار این لشکرکشی ها برای کشور و مردم ما حتی کمترین توجه نکرده اند که بعد از هر حمله ویرانگر با چند دسته شدن مردم بومی در دفاع و مخالفت با سیطره بیگانه و نبود روحیه ملت واحد و منافع ملی کشور ما از لحاظ ساختار اداره و سرزمین دستخوش بحرانهای عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردیده است که هر بار اعمار مجدد کشور و ساختار های آن برای مردم ما بسیار گران تر از مخارج و تباهی های جنگ تمام شده است. در اینجا یک مکث کوتاه از راهبرد قدرت های بزرگ و شرکت های تسلیحاتی در بروز بحران ها و مدیریت این بحران ها هم خالی از مفاد نخواهد بود.

این کاملاً واضح است که بحرانهای بین المللی و منطقوی عمدتاً بوسیله قدرت های بزرگ البته در زمان جنگ سرد بیشتر بوسیله ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی و بعد از آن بیشتر در تحت استراتژی های ایالات متحده امریکا و همکاری و همگرایی اتحادیه اروپا، روسیه بوسیله کشور های زیر حوزه نفوذ شان ایجاد میگرددند و حق مدیریت این بحران ها را هم تقریباً همیشه برای خود شان محفوظ نگه میدارند. معمولاً بحران ها بوسیله نفوذی های این قدرت ها از طریق کودتا های نظامی، تظاهرات و آشوب های خونین خیابانی، به قول این قدرت ها " نا فرماتی ها"، تهیه اسناد جعلی از خطرات احتمالی منطقوی و بین المللی و جابجایی مهره های کلیدی در دولت ها که منجر به مشاجرات، اختلافات و زد و خورد ها میان رهبران گردیده و هر کدام برای تقویت موضع شان در زیر شعار های دروغین و اغواگرانه از میان مردم شان سرباز گیری کرده و وادامه آشوب ها را تا خارج از مرز هایشان توسعه میدهند و درست همینجاست که بنابر خود فروختگی، کوتاه نظری و درک نا کامل از اوضاع ملی و بین المللی و بیآمدن های مداخله خارجی، زمینه مداخله خارجی برای کشور شان را فراهم میگردانند که کنترل اوضاع از دست شان خارج شده و مدیریت بحران بدست آنها می افتد که روی این بحران سرمایه گذاری کرده بودند. اما آنچه برای کشور شامل حوزه بحران در بعد داخلی بسیار از اهمیت فراوان برخوردار است همانا واکنش اداره این کشور ها در قبال این بحران ها و دیدگاه هایشان برای برون رفت از این بحران میباشد اگر در افغانستان نه حکومت با طالب و نه سایر نیرو های سیاسی و شبه نظامی در میان خود ویا دولت کنار نمی آیند، اگر در عراق حکومت با مخالفین سنی و شیعه و کرد ها با همه توافق ندارند، اگر در سوریه حکومت با مخالفین سنی و سیاسی و کرد ها و همه در میان هم توافق نمی کنند و اگر اسرائیل با فلسطینی ها به موافقه نمیرسند، اگر در یمن حوثی ها با سایر هموطنان خودشان توافق ندارند، اگر در لیبیا همه مخالفین سرباز اجیر کرده اند و کشور شان را گرفتار آشوب بزرگ کرده اند و اگر عربستان سعودی با ایران بر سر یک اجماع منطقوی توافق نمیکند و در هر کجایی دیگر این کره خاکی

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

که نزاع و کشمکش جریان دارد معلومدار است که نظامهای این کشور ها نه بر پایه دولت - ملت استوار بوده بلکه بر پایه همین کشمکش ها و نزاع های ذات الیینی در جدال دائمی بسر میبرند و بدین ترتیب فضای نظامی - امنیتی حاکم بوده همکاری و همگرایی در میان نخبگان و مردم مفقود میباشد که بدین ترتیب فرصت بسیار ارزشمند برای شرکت های تسلیحاتی ایجاد شده و باعث حضور قدرت های بزرگ برای رقابت با همدیگر بر سر توسعه جایگاه و نفوذ میگردد که کفاره مادی و معنوی همه این شاخ و شانه کشیدن ها و رقابت های این قدرت های بزرگ را مردمان مسکون حوزه بحران میپردازند. چون مدیریت این بحران و کلید حل مسایل مورد مناقشه و خود مهره های نفوذی بدست قدرت های بزرگ بیرونی میباشد بناً مسایل آنقدر بغرنج، پیچیده و ذوجانب میگردد که راه حل آن غیر ممکن به نظر میرسد و در حقیقت همین است خواست اصلی بازیگران بازی بزرگ در حوزه های منافع حیاتی یا

استراتژیک شان)

اکنون یکبار دیگر امریکا با خروجش بنابر ملاحظات منافع اش، حفظ اعتبار بین المللی اش، مواد کمپاینی برای انتخابات آینده امریکا به نفع رئیس جمهور فعلی، حفظ سیطره داعش برای ایجاد مزاحمت های نظامی و اقتصادی به جمهورییت های آسیای میانه، روسیه، ایران و چین، بازی تاکتیکی و استراتژیک برای جلب پاکستان برای منافع خودش و محتمل سازی قطع همکاری پاکستان در پروژه های وسیع البنیاد آسیایی چین و ده ها نقاط نظر حیاتی دیگر امریکا، کشور ما را به بحران میکشاند. اوضاع را خلیل زاد، پاکستان در وجود طالب به کمک دستگاه تبلیغاتی غرب و نوکران زرخیز افغانی شان دقیقاً بطرف بحران عمیق سیر دادند که امریکا به همکاری پاکستان آنرا مدیریت میکنند.

خلیل زاد در مصاحبه که بتاريخ دوم سپتمبر ۲۰۱۹ با تلویزیون طلوع انجام داد به امارت منسوخ طالبان که در سال ۲۰۰۱ بعد از حمله امریکا منسوخ شده بود صحنه گذاشت، او حکومت افغانستان را متهم به زور گویی کرد که گویا از راه زور میخواهند اهداف اش را عملی کنند، همچنان او بیشتر مانده در این مصاحبه حملات انتحاری طالبان و حملات گروهی و سازمان یافته طالبان را در ولایات کشور که باعث کشته شدن هزاران هموطن ما شده است مؤجه جلوه داده گفت این یک امر معمول است در جریان هر مذاکراتی طرفین درگیر میخواهند بوسیله حملات نظامی امتیاز گیری کنند. در حالیکه او در جای دیگر این مصاحبه صراحتاً ذکر میکند که این مذاکرات از افغانها نبوده و مذاکرات میان امریکا و طالبان است، همچنان آنچه که به گفته های کتاب «ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» صحنه گذاشت یکی هم بیان خلیل زاد در این مصاحبه مبنی بر اینکه امریکا نه بر اساس نورم های حقوق بشر و نه بر اساس لویح سازمان ملل متحد به افغانستان حمله کرده است، بلکه امریکا در روشنی اهداف استراتژیک و منافع خودش به افغانستان حمله کرده است و حالا هم برایشان مهم نیست که در این کشور بعد از خروج اش چه بر سر مردم این کشور می آید از لحاظ نورم های حقوق انسان، حقوق زنان، امنیت شهروندان و زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی هیچ مسئولیتی متوجه امریکا نمی باشد. او با بیشترین تمام متذکر میشود که ما در توافقنامه اصطلاح امارت اسلامی را درج کرده ایم اما من بعداً طی یک مصاحبه خواهم گفت که ما آنرا برسمیت نمیشناسیم.

شما به این دلچک بازی دقت کنید، سندی را که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا امضا میکند در آن به صراحت امارت اسلامی طالبان بیان گشته است که از لحاظ حقوقی شناخت یک دولت بحیث مؤسسه سیاسی را افاده صریح میدهد. و او که حیثیت یک سفیر را هم تا کنون ندارد طی مصاحبه میگوید که امریکا امارت اسلامی را برسمیت نمی شناسد.

کشور ما را امریکاییان به همکاری پاکستان در وجود طالبان و سایر مهره های خود فروخته داخلی بطرف بحران بسیار عمیق و به احتمال زیاد تجزیه مرگبار هل میدهند و سکان این حرکت را در دست گرفته اند.

ذکر امارت اسلامی در یک سند حقوقی و برسمیت شناختن طالبان از جانب امریکا در موجودیت دولت افغانستان حکم صریح تجزیه افغانستان را میرساند. آنها میخواهند در یک قلمرو دو دولت را بجان هم بیاندازد، آنها خوب میدانند که یکطرف برای حفظ نوامیس ملی، حاکمیت ملی، حفظ دستاورد های دیموکراتیک و مردمی، تمامیت ارضی کشور مکلف به دفاع مشروع از کشور و مردم میباشد و در طرف دیگر کفتاران وحشی تربیت شده پاکستان را که یقیناً پرداخت مصارف نظامی، تسلیحاتی و لوژستیک آنرا امریکا عهده دار گشته است زیرا پاکستان در وضعیت موجود اقتصادی توان پرداخت همچو مصارف گزاف جنگی را ندارد بجان مردم ما انداخته در مراحل نخستین جنگهای پراکنده راه اندازی کرده و احتمالاً در نظر دارند یک یا چند ولایت را از پیکر کشور مجزا کرده و به یک جنگ منظم کمر دولت را بشکنانند. اطلاعات تأیید نا شده از جنگهای کندز، بغلان، تخار و ولایات دیگر حاکی از آنست که عده از مردم محلات زیر پرده ناپاک طالب از جانب عده از شریکان داخلی نیز مسلح گشته اند. اما هرچه باشد امریکاییان در این چند سال موجودیت شان در افغانستان همه زمینه ها و محمل ها را برای آینده شان آماده ساخته اند. اینکه با وصف تلاشهای مکرر جانب افغانی قوای هوایی را در چوکات قوای مسلح افغانستان اکمال نکردند علت اش همین راهکار فعلی بوده است.

امریکا در وجود خلیل زاد که در کتاب (فرستاده) اش خود بیان میدارد در شهر بن کشور آلمان تهداب حکومت دست نشانده تنظیمی و قومی را بنیان گذاشت که در طول هژده سال عناصر خود فروخته گماشته شده شان همه دارایی و

هستی مردم را بلعیدند و خود این کشور و متحدین اش بسیاری از داشته های زیر زمینی کشور ما را به بیغما بردند. گزارشات مفصل از پرواز های متعدد روزانه طیارات انگلیسی و امریکایی از میدانهای زیر کنترل شان در دسترس همگان قرار دارد. ترجمانان و همکاران افغانی این نیرو ها که اکنون در کشور های غربی پناهنده شده اند رویداد های این غارت معادن ما را با تفصیل در حد دید شان بیان میدارند. حالا که دونالد ترامپ برای انتخاب مجدد اش به این محمل نیاز مند است میخواهند افغانستان را خونباران به پاکستان تحویل بدهند و خلیل زاد بیش مانه از احتمال خانه جنگی نیز خبر میدهند.

بعد از کشمکش های فراوان امریکا، پاکستان، ایران و سایر کشور های مغرض در این همه سالهای پر از دلهره و قربانی مردم روشن ضمیر افغانستان توانستند تا حدودی بالای این حکومت دست نشانده امریکا غلبه حاصل کرده و در وجود تیم موجود اداره کشور را بصوب ثبات، همگرایی، رشد اقتصادی، جستجو و دریافت ریشه های معضل افغانستان و منطقه و نشانی کردن راه های مثمر ملی و منطقوی را در پیش گرفته اند ولی این ثبات و رشد اقتصادی کشور با منافع امریکا سازگار نبوده و پاکستان نیز از بابت یک حکومت مقتدر ملی که روابط حسنه با هند داشته باشد احساس خطر میکند. بنأ همه دست های ناپاک ضد افغانی مصمم اند تا حکومت ما را سرنگون و ملوک الطوائف را در محلات دو باره بر سر اقتدار آورند.

در جای دیگری کتاب « ملت، منافع ملی و دولت ملت در افغانستان » نوشته بودم: ( به همین لحاظ تأکیدات مکرر من روی توافق ملی، اتحاد همه مردم، اشتراک همگانی بر پایه منافع ملی برای حمایت قاطع از حکومت میباشد، بایبست تمام هویت های پراکنده قومی و قبیلوی و مذهبی زیر نام بزرگ هویت ملی افغان تمرکز و تجمع کرده و این سلاح مخرب که قدرت تخریب آن بزرگتر از بم هستوی میباشد از دست دشمن بگیرند تا یک حکومت مقتدر که توانایی اداره کل کشور و تأمین امنیت سراسری را پیدا کند و از طرف دیگر در معاملات بین المللی با مشروعیت بیشتر از موضع همه ملت توان چانه زنی را با قدرت های بزرگ و کشور های نیدخل پیدا کند و مردم بتوانند در فضای امن خواسته هایشان را مطرح کنند و حکومت توانمندی اجرا و برآورده ساختن این خواسته ها را داشته باشد در غیر آن این به هیچوجه منصفانه نخواهد بود تا از کسی چیزی بخواهی که مطمئناً توان پرداخت آنرا نداشته باشد و در سطح منطقه و جهان کشور هایی مختلف دنیا و همسایگان که گروه های از مردم ما را در زیر نام قوم، مذهب، اندیشه، منافع اقتصادی و سایر اختلافات در زیر سیطره خود دارند زیر نام نماینده این گروه ها کلید حل مسله را محکم بدست خویش نگهداشته و مانند یک پدیده منفعت بار استراتژیک از آن بهره میبرند و حکومت افغانستان در وجود زور گویان محلی و ساحات تحت نفوذ طالبان و داعشیان در مسایل ملی و بین المللی از موضع ضعیف و مشروعیت کمتر برخوردار میباشد و همین مسله باعث میگردد تا کشور های جهان در برخورد سیاسی، اقتصادی و نظامی در قبال افغانستان محتاطانه برخورد کرده و در پسا موارد از طریق انجوها با زور گویان محلی و قوماندانان رابطه های تامین کرده اند.

مسئله با اهمیت دیگر برای کشور ما همانا دوران پسا داعش در عراق، سوریه و لیبیا میباشد، از قراین اخبار و تحلیل اوضاع کشور بر می آید که فعل و انفعالات و جابجایی ها زیر نام دولت خراسان داعش که بر اساس اسناد منتشر شده داعشیان خراسان آنها شامل مناطق افغانستان و پاکستان هند و گوشه هایی از چین میباشد طی سالهای ۲۰۱۴ تا کنون در افغانستان این را بوضاحت میرساند که پروژه بعدی گرداننده گان داعش بعد از عراق، سوریه و لیبیا احتمالاً افغانستان خواهد بود، به قول محترم حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور افغانستان در مجلس سنای افغانستان مورخ اکتوبر سال ۲۰۱۵ که نیرو های داعش از میان طالبان مخصوصاً طالبان پاکستانی سرباز گیری کرده و در حال گسترش به سمت کشور های آسیای مرکزی میباشد و همچنان غرض تأمین مالی گروپ هایش در صدد دسترسی به بازار مواد مخدر میباشد. گرچه عده از صاحب نظران به این عقیده اند که طالبان به هیچوجه حاضر به دادن مواضع خویش به داعشیان نخواهند بود مگر انکشاف اوضاع کاملاً عکس موضوع را به اثبات میرساند، هم اکنون در ولایات شرقی افغانستان خاصاً ولایت ننگرهار و کنر قسمت اعظم مواضع قبلی طالبان در دسترس داعشیان میباشد و پسا فعالیت های تخریبی، دهشت افگنی و عملیات های انتحاری را بین سالهای ۲۰۱۵ تا کنون را در شهر کابل و ولایات افغانستان این گروپ به عهده گرفته است. از آنجاییکه تهداب ساختاری گروپ های داعش در پاکستان و افغانستان به قول اخبار خاور میانه مورخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۵ از نیرو های طالب و رهبران آنها که در سالهای اخیر شدید ترین حملات تروریستی را علیه شیعیان پاکستان در ایالت های خیبر پشتونخواه و بلوچستان راه اندازی کرده بودند متشکل بوده این را میرساند که از یکطرف فعالیتهای تروریستی و دهشت افگنانه سالهای اخیر در مساجد و تکایای شیعیان در شهر کابل و ولایات افغانستان کار همین گروپ های داعشی میباشد و از طرف دیگر خطراتی را که این گروپ ها برای کشور های همسایه افغانستان چون ایران، ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان میتواند در آینده ایجاد کند این کشور ها را به فعالیت های تدافعی و پیشگیرانه در ولایات سرحدی ما مجبور ساخته و بنابر همسایگی و روابط عنعنوی شان با فدراتیف روسیه این کشور را در مسایل افغانستان فعال ساخته و یکبار دیگر بازی بزرگ در منطقه ما و خاصاً افغانستان به جولان خواهد آمد که برای کشور ما با این وضعیت شکنند و نا هنجاری که دارد بسیار گران تمام خواهد شد. اگر مردم ما، سیاستمداران،

سیاست گزاران، حکومتیان، قوای مسلح کشور اعم از ارتش، پولیس وارگانهای امنیتی و عدلی با روحیه عالی و پندوستی زیر شعار بزرگ منافع ملی دست بدست هم ندهند و جلو این دسایس بزرگ را نگیرند خطرات بزرگی ویرانگر و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور ما را تهدید میکند. عده از تحلیل گران به این باور اند که اگر قدرت های بزرگ تصمیمی اتخاذ کنند به هر نحوی و شیوه ای که باشد آنرا عملی میکنند. اما به باور من هر قدرتی در جهان محدودیت ها و مشکلات خویش را دارند و همه به این باور اند که هیچ مشکلی در جهان بوسیله قدرت نظامی و جنگ قابل حل نیست. جنگها بر عکس بی ثباتی ها را بیشتر ساخته و باعث بروز مشکلات عدیده جدید شده اند که این بی ثباتی های منطوقی بی ثباتی های بین المللی را باعث گشته است.)  
هموطنان عزیز!!

مادر وطن به شما ندا میکند همه اختلافات، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، صنفی و فرهنگی تانرا کنار بگذارید از مادر وطن دفاع کنید. در مصاحبه خلیل زاد با تلویزیون طلوع دیگر جای شک باقی نمانده که خطر جنگ خانمانسوز و تباه کن به بیخ گوش هرافغان رسیده است. ادای دین مادر وطن فریضه هر فرزند این دیار ماتم دیده و بلا کشیده میباشد. بیایید دست بدست هم داده این وطن و مردم عذابدیده اش را از این مصیبت جانگاز نجات دهیم. مردمان کشور های بالتیک در ۲۳ اگست سال ۱۹۸۹ با شرکت دومیلیون نفر توانستند به شکل زنجیر دست بدست هم داده در امتداد ۶۰۰ کیلو متر از استونی تا لیتوا و لیتوانیا صدای خویش را به جهانیان رسانیدند و در حمایت بین المللی توانستند خود را از سیطره اتحاد شوروی و ارهانند. ما هم با اتحاد مان میتوانیم این توطعه های امریکا، پاکستان، ایران ، روسیه و دیگران را نقش بر آب کنیم. ( پایان )